

## تحلیلی کمینه‌گرا از عملکرد پرسشواژه‌ها در زبان ترکی آذری

عبدالحسین حیدری<sup>۱</sup>

مدرس مدعو گروه زبان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

سید محمد رضی نژاد

استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

(از ص ۴۱ تا ص ۵۶)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۶/۲۰؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۱/۱۷

### چکیده

مقاله حاضر، عملکرد هر دو نوع پرسشواژه (پرسشواژه در جای اصلی و پرسشواژه حرکت‌کرده) در زبان ترکی آذری را در قالب برنامه کمینه‌گرا، مطالعه کرده است. بررسی ساخت‌های دارای پرسشواژه در جای اصلی، نشان می‌دهد که در زبان ترکی آذری، مشخصه پرسشی و جزء ki/ki، از لحاظ نحوی در توزیع تکمیلی هستند. وجود مشخصه پرسشی در هسته گروه متمم‌نما، موجب می‌شود که عملگر پرسشی به صورت آشکار به مشخص‌گر گروه متمم‌نما حرکت نماید و به جمله شکل پرسشی دهد. اما اگر جزء ki/ki، در همان جایگاه (هسته گروه متمم‌نما) قرار گیرد، جمله دارای پرسشواژه، خوانش غیرپرسشی خواهد داشت. همچنین پرسشواژه‌های غیرفاعلی زبان ترکی آذری می‌توانند بنا به دلایل و انگیزه‌های کلامی و معنایی و با اعمال قاعده قلب‌نحوی به آغاز جمله حرکت کنند و در مشخص‌گرهای گروه‌های نقش‌نمای تأکید و مبتدا فرود آیند. به چنین حرکتی که از جایگاه موضوعی به جایگاه نقشی صورت می‌گیرد، حرکت از نوع غیرموضوع گفته می‌شود. یافته‌های مقاله حاضر، در تناقض با مطالعات پیشین است که جایگاه عملگر پرسشی حرکت‌کرده را هسته گروه متمم‌نما و جایگاه پرسشواژه حرکت‌کرده را مشخص‌گر گروه زمان فرض کرده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** پرسشواژه در جای اصلی، پرسشواژه حرکت‌کرده، برنامه کمینه‌گرایی، زبان ترکی آذری

a\_heidari53@yahoo.com

<sup>۱</sup>. رایانامه نویسنده مسئول:

## ۱- مقدمه

زبان‌ها راهبردهای متفاوتی را برای عملکرد پرسشواژه‌ها در جملات پرسشی به کار می‌برند. پرسشواژه در زبان‌هایی نظیر انگلیسی به جایگاه آغازین جمله حرکت می‌کند و در نهایت ردی از خود به جا می‌گذارد، طوری که جایگاه پرسشواژه با جایگاه گروه اسمی معادل خود در جمله خبری متفاوت است (چامسکی، ۱۹۵۱). پرسشواژه در زبان‌های چینی، ژاپنی، فارسی و ترکی لزوماً به آغاز جمله پرسشی حرکت نمی‌کند، پرسشواژه در چنین زبان‌هایی درست در جایی قرار می‌گیرد که گروه اسمی معادل آن در جمله خبری بی‌نشان، در همان جایگاه قرار دارد. هوانگ<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) چنین زبان‌هایی را زبان‌های پرسشواژه در جای اصلی می‌نامد. پرسشواژه در زبان ترکی آذری نیز، بدون این‌که به ابتدای جمله پرسشی حرکت کند، در همان جای اصلی خود می‌ماند. اما زبان ترکی آذری جزو زبان‌هایی است که دارای آزادی نسبی در آرایش نحوی واژگان است و جابجایی سازه‌ها در جملات، می‌تواند به عملکرد متفاوت پرسشواژه‌ها در این زبان منجر شود. بنابراین پرسشواژه در زبان ترکی آذری به دو نوع پرسشواژه در جای اصلی و پرسشواژه‌های حرکت کرده، تقسیم می‌شود. مقاله حاضر قصد دارد هر دو حالت پرسشواژه در زبان ترکی آذری را در قالب برنامه کمیته‌گرا مورد مطالعه قرار دهد. در ادامه نخست، یافته‌های مطالعات انجام شده در باب عملکرد پرسشواژه‌ها به‌طور اجمالی ارائه می‌شود و سپس چارچوب نظری مطالعه به اختصار توضیح داده می‌شود و در نهایت، تحلیلی از پرسشواژه در جای اصلی و نوع حرکت کرده در زبان ترکی آذری ارائه می‌گردد.

## ۲- پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی (غلامعلی‌زاده، ۱۳۷۲؛ راسخ‌مهند، ۱۳۷۹؛ کهنمویی‌پور، ۲۰۰۱؛ کریمی و طالقانی، ۲۰۰۷ و واعظی، ۱۳۹۲) عملکرد پرسشواژه‌های زبان فارسی را مورد بحث قرار داده‌اند. غلامعلی‌زاده (۱۳۷۲) حرکت پرسشواژه را در چهارچوب فرایند مبتداسازی توجیه کرده و محل فرود آمدن سازه‌های مبتدا شده و از جمله پرسشواژه‌ها را مشخص‌گر گروه متمم‌نما<sup>۲</sup> معرفی کرده است. راسخ‌مهند (۱۳۷۹) از منظر برنامه

<sup>۱</sup>. Huang

<sup>۲</sup>.CP

کمینه‌گرا و از دیدگاه ردفورد (۱۹۹۷)، حرکت پرسشواژه در زبان فارسی را حرکت عملگر پرسشی<sup>۱</sup> تلقی کرده و جایگاه فرود آمدن آن را مشخص‌گر گروه متمم‌نما می‌داند. کهنمویی‌پور (۲۰۰۱) پرسشواژه‌های زبان فارسی را به دو نوع موضوعی<sup>۲</sup> و افزوده‌ای<sup>۳</sup> تقسیم می‌کند: پرسشواژه‌های موضوعی، کلماتی هستند که جایگزین موضوعات فعل می‌شوند و اطلاعات ضروری جمله به شمار می‌روند. پرسشواژه‌ی افزوده‌ای، اطلاعات قابل حذف جمله هستند. از نظر کریمی و طالقانی (۲۰۰۷) عملکرد نحوی دو نوع پرسشواژه<sup>۴</sup> موضوعی و افزوده‌ای در ساخت‌های پرسشی، با یکدیگر متفاوت است. پرسشواژه<sup>۴</sup> موضوعی می‌تواند در جای اصلی خود بماند یا به صورت اختیاری حرکت کند. آنها جایگاه کانون<sup>۴</sup> را برای پرسشواژه‌های حرکت داده شده تأیید کرده‌اند. تحلیل واعظی (۱۳۹۲) بیانگر آن است که حرکت پرسشواژه در زبان فارسی، در دو جایگاه متفاوت روی می‌دهد: نخست، گروه کانون و دوّم، گروه منظوری<sup>۵</sup>.

مطالعه عملکرد پرسشواژه‌ها، در زبان ترکی هم مورد توجه واقع شده است. آکار<sup>۶</sup> (۱۹۹۰)، ارسلان<sup>۷</sup> (۱۹۹۹)، اوتسوی<sup>۸</sup> (۲۰۰۵) و گورگولو<sup>۹</sup> (۲۰۰۶) پرسشواژه‌های زبان ترکی را به دو نوع پرسشواژه در جای اصلی و پرسشواژه حرکت کرده، تقسیم می‌نمایند. آکار (۱۹۹۰) و اوتسوی (۲۰۰۵) معتقدند در زبان ترکی، پرسشواژه در جای اصلی، به صورت پنهانی در سطح منطقی<sup>۱۰</sup> حرکت می‌کند. در حالی که ارسلان (۱۹۹۹) و گورگولو (۲۰۰۶)، اشتقاق پرسشواژه‌های زبان ترکی در جای اصلی را حاصل حرکت آشکار عملگر پرسشی می‌دانند. همه این محققان، به اعمال قاعده قلب نحوی<sup>۱۱</sup> بر روی پرسشواژه‌های حرکت کرده در زبان ترکی قائل هستند و محل فرود آمدن آنها را مشخص‌گر گروه زمان<sup>۱۲</sup> می‌دانند. متولیان و شهبازی (۱۳۹۲) نیز به تبعیت از گورگولو

1. Q-Operator Movement

2. Wh-Arguments

3. Wh- Adjuncts

4. focus

5. force Phrase

6. Akar

7. Arslan

8. özsoy

9. Görgülü

10. Lf

11. scrambling

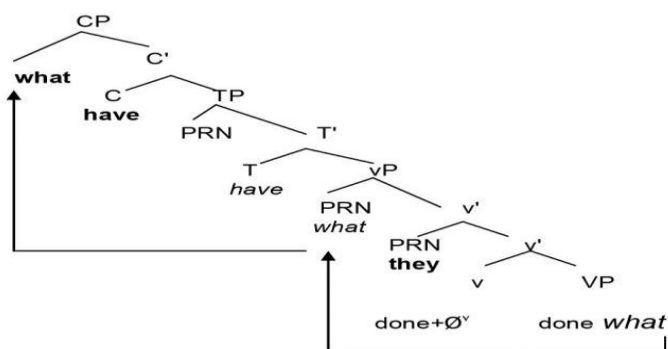
12. TP

(۲۰۰۶)، مشخص‌گر گروه زمان را جایگاه فرود پرسشواژه در زبان ترکی می‌دانند، با این نتیجه‌گیری که، حرکت پرسشواژه در زبان ترکی از نوع موضوعی است و پرسشواژه پس از حرکت، حالت خود را دریافت می‌کند.

### ۳- چهارچوب نظری

از سال ۱۹۵۷ تاکنون، نظریه‌های مختلفی در ارتباط با عملکرد پرسشواژه‌ها بیان شده است؛ اما طبق بررسی‌های انجام شده در زبان انگلیسی، در همه این نظریه‌ها حرکت پرسشواژه به جایگاه آغازین جمله، اجباری بوده است. چامسکی (۱۹۹۵) با قبول فرض حرکت اجباری پرسشواژه، جایگاه پایانی آن را مشخص‌گر گروه متمم‌نا دانسته است. انگیزه این حرکت، حضور ویژگی [+ پرسشواژه] در گروه متمم‌نا است که نزدیک‌ترین پرسشواژه را به سمت خود جذب می‌کند تا با آن مطابقت کند (چامسکی، ۱۹۹۵: ۲۷۹). بازبینی و مطابقت مشخصه حاضر در گروه متمم‌نا، انگیزه اصلی حرکت پرسشواژه است که این‌گونه حرکت را حرکت نحوی و آشکار می‌نامند. حرکت پرسشواژه‌ها در زبان انگلیسی (پرسشواژه فاعلی در مثال (۱a) و پرسشواژه غیرفاعلی در مثال (۱b)) از جایگاه موضوع به جایگاه غیرموضوع و بدون هیچ مانعی، طی چرخه‌های پیاپی انجام می‌گیرد.

- 1) a- Who called the police?  
b- What have they done?



نمودار ۱ (ردفورد، ۲۰۰۹: ۲۷۷)

همان‌طور که در نمودار (۱) مشخص است، ادغام از پایین به بالا انجام می‌شود. پرسشواژه **What** ابتدا به مشخص‌گر گروه فعلی پوسته‌ای<sup>۱</sup> می‌رود و در مرحله بعدی طی چرخه‌های پیاپی به مشخص‌گر گروه متمم‌نما حرکت می‌کند. در رابطه با پرسشواژه در جای اصلی، دو پیشنهاد ارائه گردیده است: الف- حرکت پنهان در سطح منطقی و ب- حرکت آشکار عملگر پرسشی. هوانگ (۱۹۸۲) برای اولین بار، حرکت پنهان در سطح منطقی را در زبان چینی پیشنهاد کرد. چامسکی به پیروی از هوانگ (۱۹۸۲) معتقد است در زبان انگلیسی، پرسشواژه در جای اصلی به صورت پنهان در سطح منطقی حرکت می‌کند.

## 2- Who went where?

مثال:

پرسشواژه فاعلی **Who** در مثال (۲)، بر مبنای چاره‌نهایی<sup>۲</sup> به مشخص‌گر گروه متمم‌نما متمم‌نما حرکت می‌کند؛ در حالی که پرسشواژه غیرفاعلی **where** در جای اصلی خود باقی می‌ماند. در نهایت می‌توان چنین استدلال کرد که همه زبان‌ها، قاعده حرکت پرسشواژه را دارند و فرق زبان‌ها در عملکرد متفاوت (حرکت آشکار یا پنهان) این قاعده است. آئون و لی<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) نیز، فرضیه حرکت آشکار عملگر پرسشی را به جای حرکت پنهان در سطح منطقی، برای زبان‌های پرسشواژه در جای اصلی مطرح کردند. عملگر پرسشی به سازه انتزاعی همراه پرسشواژه اطلاق می‌شود که نمود آوایی ندارد (واتانابه<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱: ۲۰۹). عملگر پرسشی اساساً درون گروه زمان تولید می‌شود و به حوزه گروه متمم‌نما در سطح روساخت حرکت می‌کند و عملکرد پرسشواژه را تعیین می‌کند. بنابراین با توجه به فرضیه حرکت آشکار عملگر، پرسشواژه مشتمل بر دو جزء است: الف- خود پرسشواژه ب- عملگر پرسشی به تعبیر واتانابه (۲۰۰۱) و یا مشخصه پرسشی به تعبیر چامسکی (۱۹۹۵).

1. shell verb

2. the Last Resort

3. Aoun & Li

4. Watanabe

#### ۴- تحلیل داده‌ها

##### ۴-۱- پرسشواژه در جای اصلی

همان‌طوری که قبلاً ذکر گردید زبان ترکی آذری جزو زبان‌های پرسشواژه در جای اصلی است. هر دو نوع پرسشواژه موضوعی (a ۳ و a ۴) و افزوده‌ای (a ۵) در زبان ترکی آذری در جایگاهی قرار می‌گیرند که گروه اسمی معادل آنها در جمله خبری بی‌نشان (b ۳، b ۴ و b ۵) در همان جایگاه قرار دارند.

- 3: a- Kim kitab-ı al-dî? چه کسی کتاب را گرفت؟  
 گذشته و سوم شخص مفرد-بگیر را-کتاب چه کسی  
 b- Ali kitab-ı al-dî. علی کتاب را گرفت.  
 گذشته و سوم شخص مفرد-بگیر را-کتاب علی
- 4: a- Ali næ-yi apar-dî? علی چه چیز را برد؟  
 گذشته و سوم شخص مفرد-بیر را-چه چیز علی  
 b- Ali kitab-ı apar-dî. علی کتاب را برد.  
 گذشته و سوم شخص مفرد-بیر را-کتاب علی
- 5: a- Ali kitab-ı har-a apar-dî? علی کتاب را کجا برد؟  
 گذشته و سوم شخص مفرد-بیر به-کجا را-کتاب علی  
 b- Ali kitab-ı ev-æ apar-dî. علی کتاب را به خانه برد.  
 گذشته و سوم شخص مفرد-بیر به-خانه را-کتاب علی

پرسشواژه فاعلی kim در مثال (3a)، در ابتدای جمله پرسشی ظاهر شده است. به دلیل این که آرایش نحوی سازه‌ها در جمله بی‌نشان زبان ترکی آذری، SOV است و فاعل در این جمله بی‌نشان، قبل از مفعول و مفعول نیز قبل از فعل می‌آید؛ بنابراین پرسشواژه فاعلی نیز جایگزین فاعل جمله خبری (Ali در مثال (3b)) شده است تا آن را به جمله پرسشی (3a) تبدیل کند. همین اتفاق در جملات (۳ و ۴) نیز رخ داده است. پرسشواژه næ-yi با حالت مفعولی جایگزین مفعول kitab-ı در جمله (4b) و پرسشواژه har-a با حالت مفعول غیرمستقیم برایی جایگزین ev-æ با همان حالت در جمله (5b) شده است تا آنها را به ترتیب به جملات پرسشی (4a و 5a) تبدیل نماید. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا پرسشواژه در جای اصلی زبان ترکی آذری به صورت پنهانی در سطح منطقی حرکت می‌کند یا این که، باید به فرضیه عملگر پرسشی

در این زبان قائل شد؟ همین سؤال قبلاً در زبان چینی مورد بحث قرار گرفته است. آئون و لی (۱۹۹۳)، حرکت پنهان پرسشواژه در سطح منطقی را که هوانگ (۱۹۸۲) در زبان چینی، پیشنهاد داده بود، نمی‌پذیرند و به وجود یک جزءپرسی در پرسشواژه‌های این زبان اشاره دارند. آئون و لی (۱۹۹۳) مدعی هستند که این جزءپرسی اساساً در گروه زمان تولید می‌شود اما به جایگاه هسته متمم‌ما (C) حرکت می‌کند و عملکرد پرسشواژه را تعیین می‌کند. تحلیل آئون و لی (۱۹۹۳) با پیشنهاد چینگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) نیز همخوانی دارد. طبق پیشنهاد چینگ (۱۹۹۷)، جزءپرسی به صورت آشکار یا پنهان در حوزه گروه متمم‌ما وجود دارد و بر پرسشواژه در جای اصلی تسلط سازه‌ای دارد. ارسلان (۱۹۹۹) هم با دنبال کردن مباحث آئون و لی (۱۹۹۳) و چینگ (۱۹۹۷) به وجود جزءپرسی آشکار (در مثال ۶) در زبان ترکی اشاره دارد که در آخر جملات پرسشی بلی/خیر می‌آید.

## 6-Hæsæn kitab-ı ver-di-mi?

## آیا حسن کتاب را داد؟

جزءپرسی-گذشته و سوم شخص مفرد جده را-کتاب حسن

در ادامه همین مبحث، ارسلان مدعی است که جزءپرسی به صورت پنهان در پرسشواژه‌های زبان ترکی نیز وجود دارد و با حضور در حوزه گروه متمم‌ما با پرسشواژه جمله، هم‌نمایه است. از طرفی، آیگین<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) و گورگولو (۲۰۰۶)، وجود جزء ki/ki (مثال ۷) در پایان جملات دارای پرسشواژه را، مورد بحث قرار می‌دهند که موجب می‌شود جملات دارای پرسشواژه در زبان ترکی، تعبیر یا خوانش غیرپرسی داشته باشند. آنها فرضشان بر این است که جزء ki/ki در هسته گروه متمم‌ما قرار دارد و باعث خوانش غیرپرسی جمله می‌شود، اما اگر جزء ki/ki در هسته گروه متمم‌ما نباشد، به جای آن، عملگر پرسشی به صورت آشکار، به همان جایگاه حرکت می‌کند و به جمله خوانش پرسشی می‌دهد.

<sup>۱</sup>. Cheng

<sup>۲</sup>. Aygen

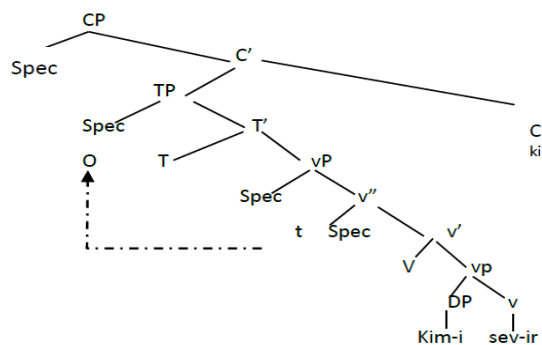
- 7- O kim-i sev-ir-ki. او هیچ‌کس را دوست ندارد.  
جزء غیر پرسشی-نمود استمرار-دوست‌دار را کی او
- 8- O kim-i sev-ir? او چه‌کسی را دوست دارد؟  
نمود استمرار-دوست‌دار را کی او

باید گفت که در زبان ترکی آذری نیز، هر وقت جزء *ki/ki*، (مثال ۷) در آخر فعل قرار گیرد، تعبیر پرسشی سازه پرسشواژه را غیرممکن می‌سازد و مثال‌های (۷ و ۸) در زبان ترکی آذری هم صادق هستند. مطالعه حاضر برخلاف نظر آیگین (۱۹۹۹) و گورگولو (۲۰۰۶)، معتقد است که هسته گروه متمم‌نما در زبان ترکی و یا ترکی آذری، جایگاه عملگر پرسشی نیست بلکه جایگاه مشخصه پرسشی [+پرسشی] است. این مشخصه، باعث می‌شود که عملگر پرسشی به عنوان یک سازه انتزاعی از پرسشواژه، جدا شده و با حرکت آشکار به مشخص‌گر گروه متمم‌نما، به جمله حالت پرسشی می‌دهد. برای روشن‌تر شدن مطلب، اشتقاق جمله (۸) با اتکاء به تحلیل چامسکی (۲۰۰۵ و ۲۰۰۷)، و با توجه به نمودار (۲)، تشریح می‌شود. ابتدا پرسشواژه *kim-i* در مثال (۸)، با فعل *sev-ir* ادغام می‌شود و گروه فعلی هسته‌ای شکل می‌گیرد. گروه فعل هسته‌ای، در مرحله بعد با فعل سبک ادغام می‌شود و گره میانی فعل پوسته‌ای پدید می‌آید. گره میانی فعل پوسته‌ای نیز به نوبه خود با موضوع بیرونی فعل پوسته‌ای دارای نقش عامل، ادغام می‌گردد و گروه فعل پوسته‌ای تولید می‌شود. سپس در یک حرکت، مشخصه تعریف<sup>۱</sup> (مشخصه‌ای که *EPP* خوانده می‌شود) هسته گروه زمان باعث می‌شود که موضوع بیرونی فعل پوسته‌ای با نقش عامل، به مشخص‌گر گروه زمان حرکت نماید (حرکت اجباری و موضوعی) و در سازوکار جریان مطابقت، حالت فاعلی را دریافت نماید. اما در حرکتی دیگر، برای این که اشتقاق پرسشی جمله حاصل شود، عملگر پرسشی، آشکارا به مشخص‌گر گروه متمم‌نما ارتقاء می‌یابد تا با مشخصه پرسشی هسته آن گروه مطابقت کند. چنین حرکتی طی چرخه‌های پیاپی از طریق مشخص‌گر گروه فعلی پوسته‌ای به مشخص‌گر گروه متمم‌نما امکان‌پذیر می‌شود.

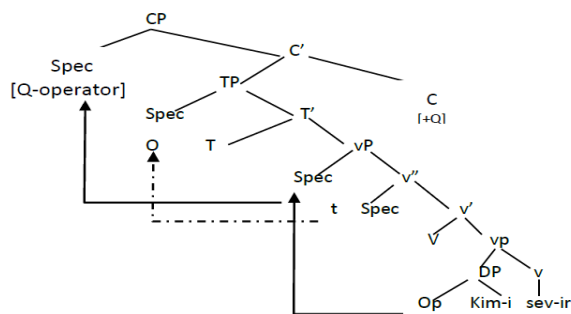
<sup>۱</sup>. d-feature

<sup>۲</sup>. Extended Projection Principle (EPP)





نمودار ۲ (نمایش درختی جمله ۷).



نمودار ۳ (نمایش درختی جمله ۸).

با توجه به مباحث انجام‌شده، می‌توان گفت که تعبیر مختلف پرسشواژه در زبان ترکی آذری به حضور مشخصه پرسشی یا جزء *ki/ki* در هسته گروه متمم‌نا بستگی دارد. هر زمان، مشخصه پرسشی در هسته گروه متمم‌نا قرار گیرد، انگیزه حرکت عملگر پرسشی به مشخص‌گر گروه متمم‌نا شده و خوانش پرسشی، به جمله می‌دهد اما اگر پرسشواژه از طریق جزء *ki/ki* موجود در هسته گروه متمم‌نا، مقید شده باشد، در آن صورت، خوانش غیرپرسشی از جمله به عمل خواهد آمد. بنابراین جزء *ki/ki* و مشخصه پرسشی در زبان ترکی آذری از لحاظ نحوی در توزیع تکمیلی هستند و با قرار گرفتن در هسته گروه متمم‌نا به جمله دارای پرسشواژه، به ترتیب تعبیر غیرپرسشی و پرسشی می‌دهند.

#### ۲-۴- پرسشواژه‌های حرکت کرده

بررسی داده‌ها در زبان ترکی آذری نشان می‌دهد که پرسشواژه‌های این زبان نیز مجاز به قرار گرفتن در آغاز جمله هستند. پرسشواژه‌های غیرفاعلی (næ-yi و har-a در مثال‌های (۴a و ۵a)) از جایگاه اصلی خود به جایگاه آغازین جمله‌های پرسشی (۹ و ۱۰) حرکت کرده‌اند.

#### 9- Næ-yi Ali apar-dî?

چه چیز را علی برد؟

گذشته و سوم شخص مفرد -پیر علی را -چه چیز

#### 10- Har-a Ali kitab-î apar-dî?

به کجا علی کتاب را برد؟

گذشته و سوم شخص مفرد -پیر کتاب را -کجا علی به -کجا

گورگولو (۲۰۰۶) و محققان پیش از او نظیر آکار (۱۹۹۰) و ارسلان (۱۹۹۹)، قرار گرفتن پرسشواژه‌های غیرفاعلی در ابتدای جملات پرسشی زبان ترکی را، اعمال قاعده قلب نحوی فرض می‌کنند. برای اولین بار، راس<sup>۱</sup> (۱۹۶۷) اصطلاح قلب نحوی را به عنوان قاعده‌ای برای توصیف تغییر ترتیب کلمات ابداع کرد. در اصل، راس این قاعده را برای توصیف ترتیب آزاد کلمات در زبان‌هایی مانند زبان لاتین پیشنهاد داد. در زبان ترکی آذری که از لحاظ رده‌شناسی زبان، از الگوی نحوی SOV پیروی می‌کند، نقش‌های کاربردی نظیر تأکید و مبتدا باعث می‌شوند که سازه‌های غیرفاعلی با اعمال قاعده قلب نحوی در ابتدای جمله قرار گیرند (می‌یاگاوا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱ و حیدری و روحی، ۱۳۹۳). بنابراین، علاوه بر گروه‌های اسمی غیرفاعلی، پرسشواژه‌های معادل آنها در زبان ترکی آذری نیز می‌توانند، طی عملکرد قاعده قلب نحوی، جایگاه آغازین جمله را به خود اختصاص دهند. گورگولو (۲۰۰۶)، جایگاه فرود آمدن پرسشواژه‌های غیرفاعلی حرکت کرده در زبان ترکی را، مشخص‌گر گروه زمان، فرض می‌کند. استدلال او در چارچوب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی بر این است که فاعل در زبان ترکی که جایگاه اولیه یا تولیدش، مشخص‌گر گروه فعلی در سطح ژ-ساخت<sup>۳</sup> است، در سطح ر-ساخت<sup>۱</sup> هم در

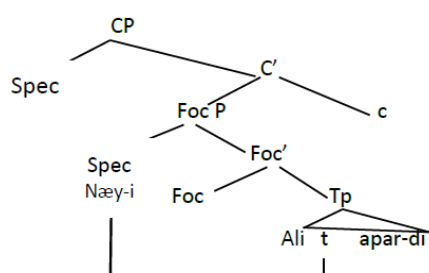
<sup>۱</sup>. Ross

<sup>۲</sup>. Miyagawa

<sup>۳</sup>. D-structure

همان جایگاه باقی می‌ماند اما پرسشواژه‌های غیرفاعلی با اعمال قاعده قلب نحوی که یک قاعده اختیاری است، به مشخص‌گر گروه زمان، حرکت می‌کنند.

نکته این‌جاست که پرسشواژه‌های غیرفاعلی ارتقاء یافته از طریق قاعده قلب نحوی، نمی‌توانند در مشخص‌گر گروه زمان قرار گیرند، زیرا همان‌طوری که قبلاً ذکر شد، مشخصه تعریف عنصر زمان باعث می‌شود که موضوع بیرونی فعل پوسته‌ای با نقش عامل به مشخص‌گر گروه زمان حرکت نماید (حرکت اجباری و موضوعی) و در سایه سازوکار مطابقت، حالت فاعلی دریافت کند. بنابراین پرسشواژه‌های غیرفاعلی بایستی به جایگاه یا جایگاه‌های فراتر از گروه زمان که از آنها به عنوان جایگاه‌های تأکید و مبتدا یاد می‌شود، حرکت کنند. جایگاه‌هایی که انوشه (۱۳۸۹) در زبان فارسی و حیدری و روحی (۱۳۹۱) در زبان ترکی آذری، با اتکا به پیشنهاد هگمن و گوئرون<sup>۲</sup> (۱۹۹۹)، به آنها اشاره کرده‌اند. هگمن و گوئرون (۱۹۹۹)، پیشنهاد می‌کنند که حداقل دو گروه پیشینه نقشی، به نام‌های فراقن‌های تأکید و مبتدا، میان فراقن‌های پیشینه متمم‌ساز و زمان وجود دارند که گروه مشخص‌گر آنها جایگاه عناصری است که به منظور یافتن خوانش نشاندار به آغاز بند خود جابه‌جا می‌شوند. در جمله (۹)، حرکت پرسشواژه غیرفاعلی  $n\text{\ae}-y\text{\i}$  به آغاز جمله پرسشی، همچون اشتقاق‌های پیشین، از طریق ادغام و حرکت پرسشواژه غیرفاعلی با انگیزه مطابقت مشخصه تأکید در هسته صورت می‌گیرد. همان‌طوری که در نمودار (۴) هم مشخص است، پرسشواژه  $n\text{\ae}-y\text{\i}$  پس از دریافت حالت مفعولی، به دلیل مطابقت و بازبینی مشخصه تأکید به مشخص‌گر گروه نقش‌نمای [Foc P] حرکت کرده است.



نمودار ۴ (نمایش درختی جمله ۹).

<sup>۱</sup>. S- structure

<sup>۲</sup>. Haegeman, L., & Guéron

از طرفی، ریتزی<sup>۱</sup> (۱۹۹۷، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴)، تحلیل‌های حوزه‌ صورت‌گرایی در رابطه با حرکت پرسشواژه از نوع متمم‌نماینیاد را در بسیاری از موارد مشکل‌ساز می‌داند. برای مثال در جمله (۱۱)، متمم‌نما (that) و سازه تأکیدی (no other colleague)، هر دو هم‌زمان حضور دارند این هم‌نشینی سازه‌ها باعث شد تا ریتزی (۱۹۹۷)، فرضیه انشقاق گروه متمم‌نما را مطرح کند. براساس این فرضیه، گروه متمم‌نما، دارای گروه‌های نقشی است.

11- I am absolutely convinced [that [no other colleague would he turn to]]  
Cp Foc P

(ردفورد، ۲۰۰۹: ۲۲۸)

متمم‌نمای that در جمله (۱۱)، در هسته گروه متمم‌نما قرار می‌گیرد و سازه تأکیدی no other colleague، درون گروه نقشی تأکید ظاهر می‌شود. فرضیه انشقاق گروه متمم‌نما، علاوه بر گروه تأکید، گروه مبتدا را نیز شامل می‌شود. پرسشواژه Næ-yi در مثال (۱۲a)، به عنوان سازه تأکید به آغاز جمله حرکت کرده است. اما در مثال (۱۲b)، سازه مبتدا شده Ev-æ، در جایگاه مبتدا و سازه بعدی، یعنی پرسشواژه Næ-yi در جایگاه تأکید قرار دارد. بنابراین گروه متمم‌نما براساس فرضیه ریتزی به گروه مبتدا و گروه تأکید تقسیم می‌شود.

12: a- Næ-yi Ali apar-dī? چه چیز را علی برد؟

گذشته و سوم شخص مفرد -پیر علی را -چه چیز

b- Ev-æ næ-yi Ali apar-dī? به خانه چه چیز را علی برد؟

گذشته و سوم شخص مفرد -پیر علی را -چه چیز به -خانه

طبق دیدگاه ریتزی (۱۹۹۷، ۲۰۰۱b و ۲۰۰۴)، تنها یک سازه تأکید، می‌تواند در هر بند قرار گیرد. اگر سازه‌ای دیگر جز پرسشواژه، در جمله مورد تأکید باشد، پرسشواژه در جایگاه فراتر یعنی گروه مبتدا قرار می‌گیرد.

<sup>۱</sup>. Rizzi

چه چیز را فقط علی برد؟ 13-Næ-yi fæqæt Ali apar-dî?

گذشته و سوم شخص مفرد -بیر علی فقط را -چه چیز

قید fæqæt در مثال (۱۳)، به دلیل مورد تأکید قرار گرفتن، جایگاه گروه تأکید را اشغال می‌کند و پرسشواژه Næ-yi در گروه بالاتر، یعنی مشخص‌گر گروه مبتدا فرود می‌آید. نمودار خطی (۱۴)، اشتقاق جمله (۱۳) را نمایش می‌دهد.

چه چیز را فقط علی برد؟ 14- [Næ-yi [fæqæt [Ali [t tapar-dî]]]]?

Top P Foc P Tp vP

همان‌طوری که در نمودار خطی (۱۴)، مشاهده می‌شود، حرکت پرسشواژه‌ها بدون هیچ مانعی، طی چرخه‌هایی صورت می‌گیرد. حتی در مثال (۱۵) که یک جمله مرکب است، حرکت پرسشواژه طی چرخه‌های پیاپی از درون بند پیرو به آغاز جمله انجام یافته است که در نمودار خطی (۱۶)، نمایش داده شده است.

چه چیز را نمی‌دانی که علی برد؟ 15- Næ-yi bil-mi-sæn Ali apar-dî?

گذشته و سوم شخص مفرد -بیر علی مطابقت-نفي-بدان را -چه چیز

16- [Næ-yi [bil-mi-sæn t [Ali t [t t apar-dî]]]]?

Foc P ↑ ↑ ↑

##### ۵- نتیجه

در اشتقاق ساخت‌های دارای پرسشواژه در جای اصلی زبان ترکی آذری، به فرضیه حرکت آشکار عملگر پرسشی قائل می‌شویم. وجود مشخصه پرسشی در هسته گروه متمم‌نما، موجب می‌شود که عملگر پرسشی به صورت آشکار به مشخص‌گر گروه متمم‌نما حرکت نماید و به جمله، شکل پرسشی دهد. اما اگر جزء ki/ki در همان جایگاه (هسته گروه متمم‌نما) قرار گیرد، جمله دارای پرسشواژه، خوانش غیرپرسشی خواهد داشت. به احتمال زیاد، جزء پرسشی در تقابل با جزء ki/ki، در ادوار گذشته زبان

ترکی، در آخر فعل جملات دارای پرسشواژه، وجود داشته است و با تطور زبان، حذف گردیده است و شاید هم به صورت بالفعل در لهجه‌ها، گویش‌ها و زبان‌های ترکی وجود دارد. پیشنهاد می‌شود که این موضوع به صورت هم‌زمانی و در زمانی در زبان‌های ترکی مورد مطالعه قرار گیرد. علاوه بر این، پرسشواژه‌های غیرفاعلی زبان ترکی آذری می‌توانند بنا به دلایل و انگیزه‌های کلامی و معنایی و با اعمال قاعده قلب‌نحوی به آغاز جمله حرکت کنند و در مشخص‌گر گروه نقش‌نمای تأکید فرود آیند. اگر سازه‌ای دیگر مانند قید مورد تأکید جمله پرسشی قرار گیرد، پرسشواژه در گروه فراتر از گروه تأکید که به آن گروه مبتدا گفته می‌شود قرار می‌گیرد. بنابراین محل فرود آمدن پرسشواژه‌های حرکت کرده در زبان ترکی آذری، نخست گروه تأکید و بعد گروه مبتدا می‌باشد. چون حرکت پرسشواژه‌ها در زبان ترکی آذری، از جایگاه موضوعی به جایگاه نقشی صورت می‌گیرد، حرکت از نوع غیرموضوع خوانده می‌شود.

## منابع

- انوشه، مزدک (۱۳۸۹). رویکردی مشخصه‌بنیاد به فرایندهای مبتداسازی و تأکید در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبانی*، دوره ۱، شماره ۱، ۱-۲۸.
- حیدری، عبدالحسین و افسر روحی (۱۳۹۳). قلب‌نحوی در زبان ترکی آذری براساس مدل کاوشگر-هدف برنامه کمیته‌گرایی. *جستارهای زبانی*، دوره ۵، شماره ۱، ۲۷-۴۴.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۷۹). جملات پرسشی در زبان فارسی. *مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی*، ۳۳۱-۳۳۴. تهران، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی.
- غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۲). فرایندهای حرکتی در زبان فارسی، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه تهران.
- متولیان نائینی، رضوان و شهبازی، سمیه (۱۳۹۲). بررسی مقابله‌ای حرکت پرسشواژه در زبان فارسی و ترکی. *مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی آموزش زبان انگلیسی، ادبیات و مترجمی*. شیراز، دانشگاه شیراز.
- واعظی، هنگامه (۱۳۹۲). ساخت‌های پرسشواژه‌ای در زبان فارسی (روی‌کرد کمیته‌گرا). *زبان پژوهی*، دوره ۵، شماره ۱، ۹۰۱، ویژه‌نامه زمستان، ۱۹۹-۲۲۱.
- Akar, D. 1990. Wh-Questions in Turkish. Unpublished M.A. Thesis, Bogaziçi University.
- Aoun, J, and Y.A, Li. 1993a. Wh-Elements In-Situ: Syntax or LF?, *LI* 24-2: 199-238.
- Arslan, C. 1999. Approaches to Wh-Structures in Turkish. Unpublished M.A. Thesis, Bogaziçi University.

- Aygen, G. 1999. Q-Particle in Turkish, Japanese and Sinhala, *Proceedings of the International Conference Havana: Cuba*.
- Cheng, L. 1997. On the typology of Wh-Questions. Outstanding Dissertations in Linguistics Series, New York: Garland Publishing.
- Chomsky, N. 1957. *Syntactic Structures*, The Hague, Mouton.
- Chomsky, N. 1995. *The Minimalist Program*, Cambridge, M.I.T. Press.
- Chomsky, N. 1999. "Derivation by Phase", In *M.I.T. Occasional Papers in Linguistics*. N. 18. Also Published in M. Kenstowicz (ed.), Ken Hale 2001. *A Life in Language* (1-52), Cambridge: M.I.T. Press.
- Chomsky, N. 2001. Beyond Explanatory Adequacy, Unpublished Manuscript, M.I.T. A Published Version Appeared in A. Belletti (ed.), *Structures and Beyond: The Cartography of Syntactic Structures* (104-131), Oxford: Oxford University Press.
- Chomsky, N. 2005. On Phases. Unpublished Paper to Appear in R. Freidin, C. P. Otero and M. L. Zubizarreta (ed.), *Foundational Issues in Linguistic Theory*, Cambridge: M.I.T. Press.
- Chomsky, N. 2007. Approaching U.G. from Below, In Sauerland, Uli/Gärtner, Hans-Martin (eds.), *Interfaces + Recursion = Language?: Chomsky's Minimalism and the View from Syntax Semantics* (1-29), New York: Mouton de Gruyter.
- Gorgulu, E. 2006. Variable Wh-words in Turkish. Unpublished M.A. Thesis, Bogaziçi University.
- Haegeman, L., & Guéron, J. 1999. *English grammar: A generative perspective*, Oxford, Blackwell.
- Huang, C-T. 1982. Logical Relations in Chinese and the Theory of Grammar. Unpublished Ph.D. Dissertation, MIT.
- Kahnemuyipour, A. 2001. On Wh-Questions in Persian. *Canadian Journal of Linguistics*, 46 (1-2): 41-61.
- Karimi, S. and Azita T. 2007. Wh-Movement, Interpretation, and Optionality in Persian, In S. Karimi, V. Samiian and W. Wilkins (eds.), *Clausal and Phrasal Architecture: Syntactic Derivation and Interpretation* (167-187), John Benjamin Publishing.
- Miyagawa, S. 2001. The Epp, scrambling, and wh-in-situ, In M. Kenstowicz (Ed.), *Ken Hale: A life in language*, Cambridge, Mass: MIT Press.
- Radford, A. 1997. *Syntax: A Minimalist Introduction*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Radford, A. 2009. *Analyzing English Sentences: A Minimalist Approach*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Rizzi, L. 1997. The Fine Structure of the Left Periphery, In L. Haegeman (ed.), *Elements of Grammar* (281-337), Dordrecht: Kluwer Academic Publishers.

- Rizzi, L. 2001. On the Position Int (Errogative) in the Left Periphery of the Clause, In G. Cinque and G. Salvi (eds.), *Current Issue in Italian Syntax* (287-296), Elsevier: Amesterdam.
- Rizzi, L. 2004. Locality and Left Periphery, In A. Belletti (ed.), *Structures and Beyond: The Cartography of Syntactic Structure* (223-251), Oxford: Oxford University Press.
- Ross, J. R. 1967. Constraints on variables in syntax. Unpublished Ph.D dissertation, MIT.
- Özsoy, A. S. 2005. Crossing and Nesting Paths in Movement in Turkish. Ms, Bogaziçi University.
- Watanabe, A. 2001. Wh-in-Situ Languages, In Mark Baltin and Chris Collins (ed.), *The Hand Book of Contemporary Syntactic Theory* (203-225), Oxford: Blackwell.



